

shariatkhoda.org

ضمیمه v7d: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای دربارهٔ پیوندهایی است که خدا می‌پذیرد و ترتیب این مجموعه به شرح زیر است:

۱. ضمیمه v7a: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: پیوندهایی که خدا می‌پذیرد.

۲. ضمیمه v7b: طلاق‌نامه — حقایق و افسانه‌ها.

۳. ضمیمه v7c: مرقس ۱۰:۱۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا.

۴. ضمیمه v7d: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه (صفحهٔ کنونی).

ازدواج، طبق تعریف خدا، چیست؟

از همان آغاز، کتب مقدس آشکار می‌سازند که ازدواج نه با مراسم، سوگندها یا نهادهای انسانی، بلکه با لحظه‌ای تعریف می‌شود که زنی — خواه باکره باشد یا بیوه — با مردی رابطهٔ جنسی برقرار می‌کند. این نخستین آمیزش همان چیزی است که خود خدا آن را پیوند دو جان در یک تن می‌داند. کتاب‌مقدس پیوسته نشان می‌دهد که زن تنها از طریق این پیوند جنسی به مرد می‌پیوندد و تا زمان مرگ او به وی بسته می‌ماند. بر این بنیاد — که از کتب مقدس روشن است — پرسش‌های رایج دربارهٔ باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه را بررسی می‌کنیم و تحریف‌هایی را که بر اثر فشار جامعه وارد شده‌اند آشکار می‌سازیم.

در اینجا برخی از رایج‌ترین پرسش‌ها را دربارهٔ آنچه کتاب‌مقدس واقعاً در مورد ازدواج، زنا و طلاق تعلیم می‌دهد گرد آورده‌ایم. هدف ما روشن کردن تفسیرهای نادرست بر پایهٔ کتب مقدس است؛ تفسیرهایی که در گذر زمان رواج یافته‌اند و اغلب مستقیماً با فرمان‌های خدا در تضادند. همهٔ پاسخ‌ها از دیدگاهی کتاب‌مقدسی پیروی می‌کنند که سازگاری میان عهد عتیق و عهد جدید را حفظ می‌کند.

پرسش: دربارهٔ راحاب چه می‌گویید؟ او روسپی بود، با این حال ازدواج کرد و در تبار عیسی جای دارد!

«هرآنچه در شهر بود، با دم شمشیر به‌کلی **نابود کردند** — هم **مردان** و هم زنان، جوان و پیر، و نیز گاوهای نر، گوسفندان و الاغ‌ها» (یوشع ۲۱:۶). **راحاب بیوه بود** هنگامی که به بنی‌اسرائیل پیوست. یوشع هرگز اجازه نمی‌داد فردی از بنی‌اسرائیل با زن غیریهودی‌ای که باکره نبود ازدواج کند، مگر آنکه آن زن ایمان آورده و بیوه می‌بود؛ تنها در آن صورت، طبق شریعت خدا، او **آزاد می‌بود که با مرد دیگری پیوند برقرار کند**.

پرسش: مگر عیسی نیامد تا گناهان ما را بیامرزد؟

بله، عملاً همهٔ گناهان، از جمله زنا، هنگامی که جان توبه می‌کند و عیسی را می‌جوید آمرزیده می‌شوند. با این حال، پس از آمرزش، شخص **باید رابطهٔ زناکارانه‌ای را که در آن است ترک کند**. این دربارهٔ همهٔ گناهان صدق می‌کند: دزد باید دزدی را متوقف کند، دروغ‌گو باید دروغ گفتن را متوقف کند، حرمت‌شکن باید حرمت‌شکنی را متوقف کند و غیره. به همین ترتیب، زناکار نمی‌تواند به رابطهٔ زناکارانه ادامه دهد و انتظار داشته باشد که گناه زنا دیگر وجود نداشته باشد.

تا زمانی که شوهر نخست زن زنده است، جان زن با جان او پیوند دارد. هنگامی که او می‌میرد، جانش نزد خدا بازمی‌گردد (جامعه ۷:۱۲) و تنها در آن هنگام جان زن آزاد است که اگر بخواهد، با جان مرد دیگری پیوند برقرار کند (رومیان ۳:۷). **خدا گناهان را پیشاپیش نمی‌آمرزد — فقط گناهانی را که پیش‌تر انجام شده‌اند**. اگر کسی در کلیسا از خدا طلب آمرزش کند و آمرزیده شود، اما همان شب با کسی هم‌بستر شود که از نظر خدا همسر او نیست، **دوباره زنا کرده است**.

پرسش: مگر کتاب‌مقدس به کسی که ایمان می‌آورد نمی‌گوید: «بنگرید، همه چیز نو شده است»؟ آیا این بدان معنا نیست که می‌توانم از صفر آغاز کنم؟

خیر. آیاتی که به زندگی تازهٔ شخصی که ایمان آورده است اشاره دارند، از این سخن می‌گویند که خدا انتظار دارد او پس از آمرزش گناهانش چگونه زندگی کند و **به این معنا نیستند که پیامدهای خطاهای گذشتهٔ او از میان رفته‌اند**.

بله، پولس رسول در آیهٔ ۱۷ از دوم قرنتیان ۵ نوشت: «اگر کسی در مسیح باشد، آفرینشی تازه است؛ چیزهای کهنه گذشته‌اند؛ بنگرید، همه چیز نو شده است»؛ این سخن نتیجه‌گیری او از گفته‌اش در دو آیه پیش‌تر (آیهٔ ۱۵) بود: «و او برای همه مرد، تا آنان که زنده‌اند، دیگر نه برای خود، بلکه برای او زندگی کنند که برای آنان مرد و دوباره برخاست.» این مطلقاً **هیچ ارتباطی با این ندارد که خدا به زنی اجازه دهد زندگی عاشقانهٔ خود را از صفر آغاز کند**، چنان‌که بسیاری از رهبران دنیاگرا تعلیم می‌دهند.

پرسش: مگر کتاب‌مقدس نمی‌گوید که خدا دوران نادانی را نادیده می‌گیرد؟

عبارت «دوران نادانی» (اعمال رسولان ۳۰:۱۷) را پولس هنگام عبور از یونان خطاب به مردمی بت‌پرست به کار برد که **هرگز دربارهٔ خدای اسرائیل، کتاب‌مقدس یا عیسی نشنیده بودند**. هیچ‌یک از کسانی که این متن را می‌خوانند، پیش از ایمان آوردن از این امور بی‌خبر نبودند.

علاوه بر این، این بخش به توبه و آمرزش گناهان مربوط است. کلام حتی اشاره‌ای هم ندارد که برای گناه زنا آمرزشی نیست. مشکل این است که بسیاری تنها خواهان آمرزش زنایی که پیش‌تر مرتکب شده‌اند نیستند؛ **آن‌ها همچنین می‌خواهند به رابطهٔ زناکارانه ادامه دهند** — و خدا این را، چه از مرد و چه از زن، نمی‌پذیرد.

پرسش: چرا دربارهٔ مردان چیزی گفته نمی‌شود؟ مگر مردان زنا نمی‌کنند؟

چرا، مردان نیز زنا می‌کنند و **کیفر آن در روزگار کتاب‌مقدس برای هر دو یکسان بود**. با این حال، خدا چگونگی وقوع زنا را برای هر یک متفاوت در نظر می‌گیرد. **هیچ ارتباطی میان باکرگی مرد و پیوند میان زوج‌ها وجود ندارد**. این زن است، نه مرد، که تعیین می‌کند رابطه‌ای زنا هست یا نه.

طبق کتاب‌مقدس، مرد، چه متأهل باشد و چه مجرد، هرگاه با زنی رابطه داشته باشد که نه باکره است و نه بیوه، زنا می‌کند. برای نمونه، اگر مردی باکره و ۲۵ساله با زنی ۲۳ساله که باکره نیست هم‌بستر شود، آن مرد زنا می‌کند، زیرا آن زن از نظر خدا همسر مرد دیگری است (متی ۳۲:۵؛ رومیان ۳:۷؛ لاویان ۱۰:۲۰؛ تثنیه ۲۲:۲۲-۲۴).

باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان غیرباکره در جنگ

مرجع	دستور
اعداد ۱۷:۳۱-۱۸	باید همهٔ مردان و زنان غیرباکره را نابود کنید. باکره‌ها زنده نگه داشته می‌شوند.
داوران ۱۱:۲۱	باید همهٔ مردان و زنان غیرباکره را نابود کنید. باکره‌ها زنده نگه داشته می‌شوند.
تثنیه ۱۳:۲۰-۱۴	باید همهٔ مردان بالغ را نابود کنید. زنان باقی‌مانده، بیوه‌ها و باکره‌ها هستند.

پرسش: پس زن مطلقه/جداشده تا زمانی که شوهر سابقش زنده است مجاز نیست ازدواج کند، اما مرد لازم نیست منتظر بماند تا همسر سابقش بمیرد؟

نه، لازم نیست. طبق شریعت خدا، مردی که بر مبنای دلایل کتاب‌مقدسی از همسرش جدا می‌شود (نگاه کنید به متی ۳۲:۵)، مجاز است با زنی باکره یا بیوه ازدواج کند. اما واقعیت این است که **امروزه در تقریباً همهٔ موارد، مرد از همسرش جدا می‌شود و با زنی مطلقه/جداشده ازدواج می‌کند** و آنگاه در رابطه‌ای زناکارانه است، زیرا از نظر خدا، همسر جدیدش به مرد دیگری تعلق دارد.

پرسش: از آنجا که مرد با ازدواج با زنان باکره یا بیوه زنا نمی‌کند، آیا این بدان معناست که خدا امروزه چندهمسری را می‌پذیرد؟

خیر. **چندهمسری در روزگار ما به‌سبب انجیل عیسی و به‌کارگیری سخت‌گیرانه‌ترِ شریعت پدر از سوی او مجاز نیست**. حرف شریعت، که از زمان آفرینش داده شده است (τὸ γράμμα τοῦ νόμου - to grámma tou nómou)، مقرر می‌کند که جان یک زن فقط به یک مرد بسته است، اما بیان نمی‌کند که جان یک مرد فقط به یک زن بسته است. به همین دلیل، در کتب مقدس، زنا همواره گناهی علیه شوهر زن توصیف می‌شود. از همین رو **خدا هرگز نگفت که پدرسالاران و پادشاهان زناکار بودند، زیرا همسران آنان هنگام ازدواج باکره یا بیوه بودند**.

اما با آمدن مسیح، درک کاملی از روح شریعت دریافت کرده‌ایم (τὸ πνεῦμα τοῦ νόμου - to pneûma tou nómou). عیسی، به‌عنوان تنها سخنگویی که از آسمان آمده است (یوحنا ۱۳:۳؛ یوحنا ۴۸:۱۲-۵۰؛ متی ۵:۱۷)، تعلیم داد که **همهٔ فرمان‌های خدا بر محبت و خیر مخلوقات او استوارند**. حرف شریعت، بیان آن است؛ روح شریعت، جوهر آن است.

در مورد زنا، هرچند حرف شریعت مرد را از بودن با بیش از یک زن منع نمی‌کند، مشروط به اینکه آن زنان باکره یا بیوه باشند، **روح شریعت چنین کاری را مجاز نمی‌داند**. چرا؟ زیرا امروزه این کار برای همهٔ افراد درگیر رنج و آشفتگی به بار می‌آورد — و **محبت کردن به همسایه همچون خود، دومین فرمان بزرگ است** (لاویان ۱۸:۱۹؛ متی ۳۹:۲۲). در روزگار کتاب‌مقدس، این کار از نظر فرهنگی پذیرفته و مورد انتظار بود؛ در روزگار ما، از هر نظر پذیرفتنی نیست.

پرسش: و اگر زوجی جداشده تصمیم بگیرند آشتی کنند و ازدواج خود را از نو برقرار سازند، آیا این کار مجاز است؟

بله، آن دو می‌توانند آشتی کنند، به شرط آنکه:

۱. شوهر در واقع نخستین مرد همسرش بوده باشد؛ وگرنه آن ازدواج حتی پیش از جدایی نیز معتبر نبوده است.

۲. زن در دوران جدایی با مرد دیگری هم‌بستر نشده باشد (تثنیه ۲۴:۱-۴؛ ارمیا ۳:۱).

این پاسخ‌ها تأکید می‌کنند که تعلیم کتاب‌مقدسی دربارهٔ ازدواج و زنا، از آغاز تا پایان کتب مقدس، منسجم و سازگار است. با پیروی وفادارانه از آنچه خدا مقرر کرده است، از تحریف‌های آموزه‌ای دور می‌مانیم و قداست پیوندی را که او برقرار کرده است حفظ می‌کنیم.